

## دور گردون...

دکتر عزیزاله سلیم پور  
نیس - فرانسه

کاریکاتورهایشان در باره حضرت محمد یک جا کشتند. پلیس مسلمانی که وظیفه اش را انجام میداد از طرف دیگر کشتند و چهار نفر را بخاطر اینکه یهودی دنیا آمده بودند به دیار نیستی فرستادند.

اگر منوچهر امیدوار زنده بود، امروز سخن سردبیر را چگونه می نوشت؟ او که از استادان مسلمان خود همیشه به عنوان مظهر انسانیت نام می برد، رفتار این نامردان را که با فریاد الله اکبر به بزرگترین جنایات دست می زنند، چگونه توجیه می کرد؟ شاید اگر می شنید



که در سوپرمارکتی یک آدم نما چهار نفر را فقط به گناه یهودی بودنشان با فریاد الله اکبر بقتل رسانید و یک نفر مسلمان سیاهپوست چندین نفر دیگر را با مخفی کردن آنان در یخچال سوپرمارکت از مرگ حتمی نجات داد، این شعر که در آغاز یکی از مقالات گذشته اش بود را تکرار می کرد:

آدمیزاد طرفه معجونی است  
کز فرشته سرشته وز حیوان  
گر رود سوی این بُود به از این  
ور رود سوی آن شود پس از آن

او همیشه می خواست رهبران مسلمان و روشنفکرهای چون سنگلجی، امامی و دیگران، تفسیرهای انسانی مذهب را به مردم بیاموزند و نمونه ای برای دیگران باشند. متأسفانه امروز یک قشر نادان با افکار فاشیستی بنام مذهب به وحشیانه ترین رفتار عمل می کنند و هر روز صدها نفر انسان بیگناه را فقط بخاطر اعتقادات و یا افکارشان به دیار عدم می فرستند.

روانش شاد منوچهر امیدوار که در هر موردی یک شعر از شعرای نامی ایران و خصوصاً آنکه رند شیرازش می نامید به عنوان شاهدی دلگرم کننده به خوانندگان مقالات و یا هم سخنانش هدیه میداد، اگر امروز امیدوار اینجا بود از او اجازه می خواستم تا این چند سطر را با این بیت خاتمه دهم:

دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نگشت  
دائماً یک سان نباشد حال دوران غم مخور

نیس - ژانویه ۲۰۱۵

مدتهاست مقاله ای به زبان فارسی نوشته ام که تقدیم خوانندگان مجله پیام نمایم ولی در آستانه چاپ شماره ۱۰۰۰ این مجله، وظیفه خود میدانم چند سطری بنویسم تا شاید اندکی از دین خود را به پایه گذار آن منوچهر امیدوار بپردازم.

فراموش نمی کنم شبی در بازگشت از یک میهمانی نزد دوستان، سخنی شنیدم که مرا سخت رنجانید. بلافاصله پشت میز نشستیم و آنچه گذشته بود و آنچه تداعی معانی میکرد را برای خود بروی کاغذ آوردم و شاید برای تسکین درد و اندوه دلم آنرا برای مجله پیام فرستادم. منوچهر امیدوار همانطور که در مقالات خود عادت داشت این دوبیتی را بر پیشانی نوشته نشانند:

به یاران درد دل ناگفته ماند ای نطق تقریری  
زبان را نیست یارای سخن ای خامه تحریری  
و نوشته مرا تحت عنوان «درد دل» بچاپ رساند و بدنبال آن در مکالمه تلفنی بمن محبت کرد و مرا برای نوشتن تشویق کرد.

از یاد نمی برم یکی از آرزوهای منوچهر امیدوار رسانیدن این مجله به شماره ۱۰۰۰ بود و امروز با همت و پشتکار همکار و دستیار منوچهر امیدوار خانم بهناز دیلمانیان این آرزو به حقیقت می پیوندد.

نبودن سرمقاله های امیدوار خلأی عمیق ایجاد کرده است ولی باید اعتراف کرد که تفسیرهای سیاسی آقای منشه امیر و در دو سال گذشته مقالات پرمحتوای «فرخ» و سایرین، این مجله را در سطحی بالا قرار داده اند و مطمئنم شماره ۱۰۰۰ آن برای روان پایه گذار آن بس افتخارآمیز و غرورآفرین است.

این سطور را در حالی می نویسم که فرانسه در چند روزی که گذشت شاهد حوادثی وحشتناک از طرف چند آدم نما و عکس العمل جمعیتی قریب به چهار میلیون در خیابان ها بود. ۱۲ روزنامه نگار و کاریکاتوریست با شهرت جهانی را بخاطر